

بررسی و تحلیل مباحث حقوقی ادغام شرکت‌های

دولتی و خصوصی و آثار آن‌ها

محمدهادی رضائی ملک^۱

چکیده

با ادغام شرکت‌های تجاری آثار و مباحث حقوقی مختلفی نسبت به شرکت‌های ادغام شونده و ارکان تصمیم‌گیرنده آن و نیز مالکین شرکت‌ها به وجود می‌آید که عدم پیش‌بینی مباحث حقوقی موجب سردرگمی بسیاری از مراجع از جمله مراجع قضایی و ثبتی و مالیاتی و حسابرسی می‌گردد. به‌طور مثال بر طبق ماده ۹۴ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. لذا چنانچه در نتیجه ادغام اموال و دارایی و دیون و مطالبات شرکتی به شرکت ادغام پذیر صورت گیرد، باعث افزایش تعهدات شرکت ادغام پذیر می‌شود. اثر مهم ادغام بر سهامداران یا دارندگان سهم‌الشرکه مترتب می‌گردد. بنابراین چنانچه اقلیتی از سهامداران یا صاحبان سرمایه نسبت به ادغام رضایت نداشته باشند و در تصمیم‌گیری رأی منفی دهند، اما تصمیم ادغام با تصویب اکثریت سهامداران صورت پذیرد، موجب ضایع شدن حقوق این دسته از سهامداران می‌گردد. ادغام شرکت‌های تجاری می‌تواند موجب کاهش ریسک و هزینه‌ها و صرفه‌جویی در امر تولید گردد. همچنین دامنه رقابت‌آمیز تجارت را افزایش دهد. برخی از شرکت‌ها در اثر التهاب بازار سرمایه و فرار مالیاتی خود، نسبت به تشکیل شرکت‌ها با موضوع مرتبط نموده‌اند. اما پس از مدتی با مشکل مدیریتی و زیان انباشته مواجه گردیدند. لذا به منظور استفاده از معافیت‌های مالیاتی تا سقف سرمایه موجود و تصمیم‌گیری واحد و متمرکز در بازار تجاری و رقابتی نسبت به ادغام شرکت‌های زیرمجموعه در شرکت مادر می‌نمایند. بنابراین در این مقاله به آثار و مباحث حقوقی ادغام شرکت‌های دولتی و خصوصی می‌پردازیم.

کلمات کلیدی: ادغام، شرکت‌های تجاری، جانشینی تعهدات، اصل ۴۴.

۱. مقدمه

به‌طور کلی انواع شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند و این استقلال شخصیت حقوقی موجب تفکیک دارایی و اموال و حقوق این دسته از اشخاص می‌شود. شرکت‌های تجاری، بنگاه‌های اقتصادی و نهادهای مالی گاهاً به دلایل مختلف درصدد ادغام با یکدیگر و ایجاد تشکیلات جدید، فارغ از استقلال حقوقی قرار می‌گیرند. لذا ادغام شرکت‌های تجاری موجب پیوستگی و وابستگی شرکت‌ها در جهت کسب توان تجاری در بازارهای داخلی و خارجی می‌گردد. از جمله اهداف و مقاصد اصلی ادغام مربوط به اصل واگذاری‌های شرکت‌های دولتی در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و کاهش هزینه‌ها و ریسک ناشی از ادغام صورت می‌باشد.

دولت در راستای برنامه دوم، سوم و چهارم پنج‌ساله توسعه اقتصادی، موجبات ادغام شرکت‌های تجاری را پیش‌بینی و حتی برای این موضوع نیز تکالیف و مزایایی در نظر گرفته بود. اما به‌طور مصرح برای نخستین بار بحث ادغام شرکت‌های تجاری در سال ۱۳۵۰ یعنی بعد از لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت در قانون شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی مطرح گردید.

از طرفی پیش‌بینی تشریفات ادغام در قوانین مادر به‌طور کلی و در قانون برنامه پنجم توسعه (ماده ۱۰۵) موجبات رویه‌های ناصحیح و ابهامات در خصوص ادغام شرکت‌های تجاری را ایجاد نموده است و مباحث حقوقی با نیازها و منافع تجاری و دولت هماهنگ نبوده و در عمل با معضلاتی مواجه است که رفع و حل آن‌ها مستلزم، ارائه راهکارهای مناسب به ویژه در حوزه‌های مالیاتی و حقوقی و ثبتی و اجرایی است و تنها با تعریف و تدوین قانون و یا آیین‌نامه مناسب و کارآمد و منطبق با نیازها و واقعیت‌های موجود می‌توان با مسدود نمودن باب سوءاستفاده‌های احتمالی، در تثبیت مالکیت سهامداران و شرکا و تنظیم روابط اقتصادی و حقوقی آنان و همچنین اعتبار بخشیدن به معاملات، تعهدات، قراردادهای اختلافات و طرح دعاوی در محاکم و نهادهای قضایی توفیق حاصل نمود.

هرچند در لایحه اصلاحی قانون تجارت مباحثی در خصوص ادغام پیش‌بینی شده است و این امر نشان‌دهنده اهمیت موضوع از منظر قانون‌گذار می‌باشد، لکن تبیین مباحث حقوقی و آثار بعدیان همچنان با ابهام مواجه می‌باشد و به نظر می‌رسد در قانون تجارت علاوه بر بیان مباحث شکلی، می‌بایستی مبانی ماهیتی ادغام نیز تشریح گردد و صرف تبیین تشریفات شکلی یک فرایند پیچیده در قوانین و مقررات، قطعاً موجب اختلال در آثار واقعی ادغام می‌گردد.

مباحثی مانند موافقت کارمندان و کارگران شرکت‌ها و یا مالکین و سهامداران و همچنین دعوت به همکاری کارمندان جدید در جهت ایجاد ظرفیت‌های بروز، ایجاد موضوعات فعالیت جدید از جمله موارد دیگر مربوط به ادغام می‌باشد که می‌بایستی به آن پرداخت.

۲. ماهیت حقوقی ادغام شرکت‌های تجاری

عدم پیش‌بینی و تشریح کامل ادغام شرکت‌های تجاری در قوانین اصلی، ابهاماتی زیادی را در خصوص ماهیت آن به همراه دارد. در خصوص ادغام، بدو مدیران شرکت موظفانند موافقت کلی و اصولی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های سهامی یا مجمع عمومی شرکاء را در سایر شرکت‌ها با فکر ادغام کسب کنند متعاقباً نامبردگان باید طرح مشترک ادغام را با همکاری و تصویب هیئت‌مدیره همه شرکت‌های طرف ادغام تهیه نمایند. لذا ادغام نوعی تفاهم‌نامه است. (صقری، ۱۳۹۰: ۱۹۶)

برخی از حقوقدانان ماهیت ادغام شرکت‌های تجاری را عقد بیع تلقی می‌نمایند و تفاهم و اداره ارکان تصمیم‌گیرنده شرکت (مجمع عمومی) برای ادغام در شرکت دیگر در چارچوب اساسنامه را امری الزام‌آور تلقی می‌نمایند.

اما با توجه به اینکه در ادغام شرکت تجاری، شخصیت حقوقی شرکت‌های قبلی ادغام شونده از بین می‌رود و به نحوی محو می‌گردد و همچنین تشریفات خاص بیع در ادغام همچون عین بودن مبیع و مباحث مربوط به اختیارات، در ادغام شرکت تجاری تسری ندارد و جایگاه خریدار و فروشنده به معنای واقعی آن نیز موضوعیت پیدا نمی‌نماید، لذا نمی‌توان ادغام شرکت‌های تجاری را بیع تلقی نمود.

در خصوص تقارن ادغام با شرکت مدنی می‌توان بیان نمود، هرچند ادغام شرکت‌های تجاری با ماهیت شرکت‌های مدنی تشابهاتی دارد، اما ماهیت این دو فرایند تفاوت‌های اساسی نیز با هم دارد و این تفاوت در مخلوط شدن دارایی و ایجاد شخصیت حقوقی جدید متبلور می‌شود، در حالی که در شرکت مدنی شخصیت حقوقی جدید ایجاد نمی‌شود. لذا نمی‌توان ادغام شرکت‌های تجاری را عقد شرکت مدنی تلقی نمود.

برخی دیگر از حقوقدانان ادغام شرکت‌های تجاری را در قالب عقد صلح در نظر می‌گیرند بر طبق ماده ۷۵۸ قانون مدنی، صلح در مقام معاملات، هرچند نتیجه معامله را به جای آن واقع شده است می‌دهد، لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد. صلح در حقوق ایران به عنوان ام‌العقود تلقی می‌گردد و می‌توان تمامی عقود را در آن جاری نمود. اما با توجه به شرایط خاص ادغام شرکت‌های تجاری و رعایت برخی از شرایط و مقررات جهت اعمال ادغام شرکت‌های تجاری، تلقی نمودن ادغام شرکت‌های تجاری به عنوان عقد صلح با اشکالات حقوقی مواجه می‌باشد. زیرا در ادغام نمی‌توان از برخی از تشریفات و الزامات حقوقی چشم‌پوشی نمود، در حالی که در عقد صلح می‌توان با تراضی طرفین برخی از موارد را تعدیل نمود.

با جمیع موارد فوق، هرچند ادغام یک فرایند تجاری تلقی می‌گردد و بررسی ماهیتان در قانون مدنی راه به بیراهه رفتن است و قانون مدنی در اصلاحات حقوقی ندرتاً تطبیق دارد لکن به نظر می‌رسد

به‌طور کلی ادغام شرکت‌های تجاری را می‌توان در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی جزء عقود غیر معین تلقی نمود و احکام خاصی را بر آن جاری کرد. زیرا ادغام شرکت‌های تجاری شرایط خاص خود دارد و نمی‌توان قالب عقود معینه در قانون مدنی را بر آن مترتب نمود.

بنابراین از لحاظ ماهیتی، در ادغام، شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام شونده از بین می‌روند و تمامی تعهدات و حقوق و دیون شرکت‌های ادغام شونده به شرکت جدید و یا شرکت (ادغام پذیرنده) منتقل می‌شود.

در ادامه ممکن است، ادغام شرکت‌های تجاری در برخی قوانین خاص ممنوع گردد که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

هرگاه در جریان ادغام یا در نتیجه آن، اعمالی که منجر به اخلال در رقابت می‌شود از جمله؛ احتکار و استتکاف از معامله، استتکاف فردی یا جمعی از انجام معامله و یا محدود کردن مقدار کالا یا خدمت موضوع معامله، وادار کردن اشخاص دیگر به استتکاف از معامله و یا محدود کردن معاملات آن‌ها با رقیب، قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز، عرضه و یا تقاضای کالا یا خدمت مشابه به قیمت‌هایی که حاکی از تبعیض بین دو یا چند طرف معامله و یا تبعیض قیمت بین مناطق مختلف به رغم یکسان بودن شرایط معامله و هزینه‌های حمل و سایر هزینه‌های جانبی آن باشد، تبعیض در شرایط معامله رخ دهد، ادغام ممنوع می‌باشد. همچنین هرگاه در نتیجه ادغام، قیمت کالا یا خدمت به‌طور نامتعارفی افزایش یابد و یا هرگاه ادغام موجب ایجاد تمرکز شدید در بازار شود و هرگاه ادغام، منجر به ایجاد بنگاه یا شرکت کنترل‌کننده در بازار شود، ادغام شرکت‌های تجاری ممنوع می‌باشد. (قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ماده ۴۸)

سکوت قانون‌گذار در تبیین ادغام شرکت‌های تجاری موجب ابهامات زیادی شده است. البته در لایحه جدید قانون تجارت که در اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب کمیسیون قضایی مجلس و رئیس مجلس شورای اسلامی رسیده است، مراحل و انواع ادغام شرکت‌های تجاری پیش‌بینی شده است که مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفته است.

۳. عناصر و شرایط ادغام شرکت‌ها خصوصی و دولتی

شرکت تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند و اشخاص حقوقی بر طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت می‌توانند دارای کلیه حقوق و تکالیف شوند که قانون برای افراد قائل است، لذا هرچند که قوانین فعلی تجاری در ارتباط با ادغام شرکت‌های تجاری مواردی پیش‌بینی نگردیده است، اما با توجه به

تجویز قانون گذار در مواد ۱۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱۱۱ قانون مالیات‌های مستقیم، اصولاً ادغام شرکت‌های تجاری در سیستم حقوق تجارت، نمی‌تواند امری غیرقابل تحقق باشد.

بنا به نظر مرحوم دکتر فقید علم تجارت، جناب آقای ستوده تهرانی: در مورد اختلاط چند شرکت سهامی با یکدیگر موضوع مورد قبول اغلب قوانین است، زیرا اختلاط چند شرکت باعث تقویت مالی شرکت‌ها شده و از لحاظ اقتصادی و تمرکز امور فوائد زیادی دارد. (ستوده تهرانی ۱۳۸۰: ۲۴۶)

بر طبق نظر برخی از حقوقدانان اصولاً یکی از اساسی‌ترین شرایط ادغام چند شرکت این است که، همه شرکت‌های ادغام شونده دارای یک هدف و موضوع بوده و از یک نوع باشند که این موضوع در هیچ‌یک از قوانین و مقررات به‌طور مصرح بیان نگردیده است. در توجیه نظر دکترین آمده است، از آنجایی که قوانین مربوط به شرکت‌های مختلف متفاوت می‌باشد، تنها شرکت‌های دارای سیستم و قوانین و مقررات یکسان، قابلیت ادغام با همدیگر را دارند (خزایی، ۱۳۹۰: ۵۷).

البته در لایحه پیشنهادی قانون تجارت ادغام برخی شرکت‌ها در یکدیگر ممنوع شده است که به‌طور مثال ادغام یک شرکت تضامنی با یک شرکت سهامی بسیار دشوار و منع گردیده است. زیرا هر یک از این شرکت‌ها قوانین و مقررات خاص خود را دارند که از سیستم‌ها و ساختارهای متفاوت این شرکت‌ها ناشی می‌شود. لذا در این مبحث به برخی از الزامات و شرایط ادغام می‌پردازیم.

۳-۱. الزامات ادغام شرکت‌های خصوصی و دولتی

بر طبق ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه ادغام شرکت‌های تجاری، نباید موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری شود. بر طبق مقررات مذکور کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود. لذا نمی‌توان ادغامی در نظر گرفت بدون آن که دیون و تعهدات آن منتقل نگردد.

نکته دیگر در خصوص ادغام این است که مسؤولیت شرکای ضامن با ادغام از بین نمی‌رود و شرکای مذکور کماکان ضامن دیون شرکت تا پیش از ادغام یا تجزیه می‌باشند.

مقام تصمیم‌گیرنده در خصوص ادغام شرکت‌ها با توجه به ماهیت شرکت‌ها متفاوت می‌باشد. که ممکن است مجمع عمومی فوق‌العاده و یا مدیران و سهامداران و شرکاء هریک به نحوی در ادغام شرکت‌ها دخالت داشته باشند.

در صورتی که ادغام بدون رعایت تشریفات مربوط انجام شود، هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال ادغام را از دادگاه ذیصلاح تقاضا نماید.

در خصوص ادغام معمولاً، واگذاری اموال به شرکت بازمانده یا جدید از دریافت حق‌الثبت و یا مالیات انتقال و هرگونه حقوق و عوارض انتقالی معاف است. البته این موضوع در قانون ثبت بیان نشده است اما در قانون مالیات‌های مستقیم برخی از معافیت‌هایی در نظر گرفته شده است.

۳-۲. شرایط عمومی ادغام شرکت‌ها

همان‌طور که در گفتار پیشین نیز بیان گردید در ارتباط با ادغام شرکت‌ها می‌بایستی برخی شرایط قانونی را بررسی نمود. یکی از این شرایط رعایت موارد قانونی مربوط به محو شرکت ادغام‌شونده می‌باشد.

گاهی ممکن است ادغام شرکت‌ها که منجر به انحلال یا محو شرکت اولی می‌شود، برخی از حقوق شرکاء ادغام‌شونده را تضییع نماید. به عنوان مثال در شرکت‌های سهامی برخی از شرکا می‌توانند دارای سهام مؤسس یا ممتاز یا انتفاعی باشند. از آنجایی که با انحلال این شرکت‌ها سهام آن‌ها نیز از بین می‌رود، اختلاط شرکت مزبور با یک شرکت دیگر می‌تواند زمینه لغو امتیاز این سهامداران را فراهم نماید. در نتیجه باید گفت که تصمیم به انحلال شرکت و ادغام آن با یک شرکت دیگر باید با موافقت دارندگان این نوع سهام باشد. (ستوده تهرانی ۱۳۸۰: ۲۴۶)

از سوی دیگر در رابطه با تضییع شدن یا نشدن حقوق طلبکاران باید وضعیت شرکت را مورد توجه قرار داد. اگر وضع مالی شرکتی که جدیداً تأسیس می‌شود خوب بوده و شکوفایی اقتصادی داشته باشد، با منتقل نمودن بدهی‌های شرکت‌های ادغام‌شده به شرکت جدید در حقوق طلبکاران شرکت‌های قبلی خللی ایجاد نمی‌شود.

در مقابل در صورتی که وضعیت شرکت جدید مطلوب نباشد، طلبکاران باید بتوانند مطالبات خود را از شرکت مطالبه نمایند. در این حالت چنانچه وضعیت شرکتی که سایر شرکت‌ها در آن ادغام می‌شوند خوب نباشد، ممکن است حقوق طلبکاران شرکت‌های منحل شده تضییع گردد و از این نظر می‌توانند به تصمیم مجمع عمومی اعتراض کنند و قبل از ادغام شرکت منحل شده در شرکت دیگر تقاضای پرداخت طلب نمایند. زیرا طبق ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی (دیون متوفی بعد از فوت حال می‌گردد) و چون انحلال شرکت در حکم فوت است، بنابراین طلبکاران در صورتی هم که طلب آن‌ها موجد باشد، حق دارند پرداخت خود را مطالبه نمایند. بدیهی است مسئولان امور شرکت‌ها و مجامع عمومی صاحبان سهام در موقعی که تصمیم به اختلاط شرکت‌ها می‌گیرند، شرایط و اصولی را که برای اختلاط و حفظ حقوق صاحبان سهام هر یک از شرکت‌ها باید رعایت گردد، به صورت موافقت‌نامه‌ای تنظیم می‌نمایند که طبق آن عمل گردد. (همان)

۳-۲-۱. شرایط حقوقی ادغام شرکتها

برای ادغام شرکت‌های تجاری، میزان مسئولیت شرکا یا سهام‌داران نقش مهمی را ایفا می‌کند. مثلاً در شرکت‌های سهامی، میزان مسئولیت هر یک از سهام‌داران تا مبلغ اسمی سهام متعلق به آن‌ها می‌باشد و در خصوص شرکت با مسئولیت محدود نیز میزان مسئولیت شرکا تا مبلغ آورده‌ی نقدی و غیر نقدی می‌باشد. لذا ادغام شرکت‌های سهامی با هم نوع خود یا شرکت با مسئولیت محدود دیگر قاعداً از لحاظ محدودیت سهام‌داران و شرکا به علت تطابق ماهیت صحیح به نظر می‌رسد.

در خصوص ادغام یک شرکت تضامنی با یک شرکت سهامی با توجه به این‌که نوع دو شرکت تفاوت‌های اساسی در میزان مسئولیت شرکا و ارکان تصمیم‌گیرنده دارند و اهداف دو شرکت تضامنی و سهامی غیر هم‌جنس می‌باشد، لذا ادغام این دو نوع شرکت بعید و بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد. زیرا ممکن است بر اثر ادغام شرکت تضامنی در سایر شرکت‌های تجاری به نحوی مسئولیت تضامنی شرکا به شرکت ادغام پذیر منتقل گردد و ساختار و سیستم متفاوت شرکت تضامنی، مسئولیت و دیون شرکت را به نحو غیرمتعارفی به شرکت جدید منتقل نماید.

با جمیع موارد فوق، ادغام شرکت‌های تجاری از یک نوع با توجه به تطابق ساختارهای شرکت‌های ادغام شونده و میزان هماهنگ مسئولیت شرکاء یا سهام‌داران و همچنین یکسان بودن ارکان تصمیم‌گیری منع و محدودیتی ندارد. (صقری، ۱۳۹۰: ۱۹۶)

۳-۲-۲. شرایط مالی و مالیاتی ادغام شرکتها

از جمله شرایط دیگر ادغام شرکت‌های تجاری، ارزیابی و تقویم دیون و دارایی‌های شرکت‌های تجاری و انتقال آن به شرکت ادغام پذیر است. بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱۱ قانون مالیات‌های مستقیم، صورت کامل دارایی‌ها و بدهی‌ها به همراه گزارش ارزیابی توسط یکی از اعضا جامعه حسابداران رسمی می‌بایست به تأیید ارکان تصمیم‌گیرنده شرکت‌های ادغام شونده برسد.

یکی از شرایط خاص جهت ادغام شرکت‌های تجاری، در خصوص ادغام شرکت‌های سهامی عام می‌باشد که در این خصوص علاوه بر شرایط بیان‌شده، شرکت سهامی عام می‌بایستی، مجوز از سازمان بورس اوراق بهادار کسب نماید. بر طبق رویه موجود در سازمان بورس ادغام شرکت‌های سهامی عام پذیرفته‌نشده در بازار بورس اوراق بهادار در شرکت‌های سهامی عامی که در بازار بورس پذیرفته شده‌اند، مجاز است، لیکن عکس آن مقدور نمی‌باشد. همچنین تشکیل شرکت‌های سهامی عام از ادغام شرکت‌هایی از نوع دیگر مجاز نیست. و در ادامه، ادغام شرکت سهامی عام در شرکت‌های سهامی خاص نیز امکان‌پذیر نمی‌باشد.

بر طبق ماده ۱۱۱ قانون مالیات‌های مستقیم مقرر گردیده است:

ماده ۱۱۱- شرکت‌هایی که با تأسیس شرکت جدید یا با حفظ شخصیت حقوقی یک شرکت، در هم ادغام یا ترکیب می‌شوند از لحاظ مالیاتی مشمول مقررات زیر می‌باشند:

الف- تأسیس شرکت جدید یا افزایش سرمایه شرکت موجود تا سقف مجموع سرمایه‌های ثبت شده شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده از پرداخت دو در هزار حق تمبر موضوع ماده (۴۸) این قانون معاف است.

ب- انتقال دارایی‌های شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده به شرکت جدید یا شرکت موجود حسب مورد به ارزش دفتری مشمول مالیات مقرر در این قانون نخواهد بود.

ج- عملیات شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده در شرکت جدید یا شرکت موجود مشمول مالیات دوره انحلال موضوع بخش مالیات بر درآمد این قانون نخواهد بود.

د- استهلاک دارایی‌های منتقل شده به شرکت جدید یا شرکت موجود باید بر اساس روال قبل از ادغام یا ترکیب ادامه یابد.

ه - هرگاه در نتیجه ادغام یا ترکیب، درآمدی به هر یک از سهامداران در شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده تعلق گیرد طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود.

و- کلیه تعهدات و تکالیف مالیاتی شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده به عهده شرکت جدید یا موجود حسب مورد می‌باشد. (زارع مقدم، ۱۳۹۱: ۱۴۱)

۳-۲-۳. شرایط ثبت ادغام شرکت‌ها

مراجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری جهت ثبت ادغام شرکت‌های تجاری بر اساس و قواعد حقوقی موارد و مدارک ذیل را مدنظر قرار می‌دهند:

- ۱- ادغام شرکت‌های تجاری می‌بایستی در اساسنامه شرکت‌های ادغام شونده پیش‌بینی شده باشد.
- ۲- ارکان تصمیم‌گیرنده شرکت‌های تجاری (مجمع عمومی فوق‌العاده) می‌بایستی نسبت به ادغام تصمیم‌گیری نمایند.
- ۳- تاریخ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های ادغام شونده و ادغام پذیر در یک ساعت و یک روز باشد. (جهت انتقال همزمان دیون و تعهدات)
- ۴- فهرست مشخصات شرکاء و یا سهامداران و میزان سهام یا سهم‌الشرکه قبل از ادغام به مرجع ثبت شرکت‌ها، ارائه گردد.

۵- فهرست مشخصات شرکاء و یا سهامداران و میزان سهام یا سهم‌الشرکه بعد از ادغام به مرجع ثبت شرکت‌ها، ارائه گردد.

۶- صورت دارایی و بدهی‌ها شرکت‌های ادغام شونده و ادغام پذیر به همراه گزارش ارزیابی توسط یکی از اعضای جامعه حسابداران رسمی

۷- با توجه به موضوع فعالیت شرکت‌های ادغام شونده عند الزوم ارائه مجوز از سازمان بورس اوراق بهادار و بانک مرکزی و سازمان خصوصی‌سازی و یا اداره کل تعاون الزامی است.

۸- ارائه فهرست خلاصه نقل و انتقالات انجام شده در فرایند ادغام شرکت‌ها (حسن زاده، ۱۳۹۰: ۳۸).

۴. آثار ادغام شرکت‌های تجاری

هرچند در ادغام شرکت‌های تجاری کلیه دیون و تعهدات و دارایی‌های شرکت‌های ادغام شونده، در حقوق تجارت، به شرکت جدید و یا شرکت ادغام پذیر منتقل می‌شود، اما چگونگی نحوه انتقال تعهدات و یا دارایی‌ها می‌بایستی در چارچوب قواعد عمومی و اصول کلی تفسیر گردد. مشخص نمودن زمان این تغییر و تحول و انتقال دیون و تعهدات امری مهم می‌باشد که در این راستا مراجع ثبت شرکت‌ها اقدامات خاصی نسبت به آن لحاظ می‌نمایند. زمان جانشینی تعهدات در ادغام شرکت‌های تجاری امری مهم می‌باشد. نقل و انتقال سرمایه، پرداخت مالیات، ارزیابی و حسابرسی از دیگر مباحث جانشینی تعهدات می‌باشد.

۴-۱. جانشینی تعهدات و دیون در شرکت‌های ادغام شونده و ادغام پذیر

با تحقق ادغام، کلیه حقوق و تعهدات، دیون و مطالبات، دارایی و کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت جدید و یا شرکت پذیرنده ادغام منتقل خواهد شد.

از آنجا که ادغام شرکت‌ها معمولاً در ابعاد بسیار وسیع در جهت کاهش ریسک و هزینه‌ها صورت می‌پذیرد و معمولاً شرکت‌های کوچک زیرمجموعه در شرکت‌های مادر تخصصی و یا اصلی ادغام می‌شوند، لذا رژیم انتقال و جایگزینی تعهدات مربوط به اشخاص ثالث، امری مهم و حیاتی می‌باشد.

۴-۱-۱. تأثیر ادغام بر شرکت‌های ادغام شونده

ادغام شرکت‌های بزرگ تجاری در چند سال گذشته از جمله ادغام بانک صادرات استانی در بانک صادرات ایران، ادغام شرکت‌های سیمانی در هلدینگ سیمان، ادغام شرکت‌های نفت و گاز در شرکت هلدینگ نفت و گاز و سایر موارد، همگی در راستای تصمیم‌گیری واحد و متمرکز در بازار تجاری و اجرایی بخشی از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و توانمندسازی شرکت‌ها در جهت اجرای

پروژه‌های مهم اقتصادی صورت پذیرفته است. اما متأسفانه همان‌طور که بیان گردید با توجه به اهمیت موضوع هنوز قانون خاصی جهت تبیین نظام حاکم بر ادغام شرکت صورت نپذیرفته است و لازم است در مسائل حقوقی مربوط به ادغام شرکت‌ها از سایر قوانین مادر از جمله قانون مدنی بهره گرفت.

بر طبق ماده ۲۲۰ قانون مدنی، عقود نه‌تنها متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است، ملزم می‌نماید، بلکه متعاملین را به کلیه نتایجی که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود، ملزم می‌نماید. لذا چنانچه ادغام شرکت‌های تجاری را نوعی عقد و قرارداد خاص شناسایی نماییم، می‌بایستی به کلیه نتایج و تعهدات آن نیز پایبند باشیم.

در خصوص ادغام بدو مدیران شرکت موظفانند موافقت کلی و اصولی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های سهامی و یا مجمع عمومی شرکاء را در سایر شرکت‌ها کسب نمایند. متعاقباً نامبردگان باید طرح مشترک ادغام را با همکاری و تصویب هیئت‌مدیره همه شرکت‌ها تهیه نمایند (صقری، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

با عنایت به شرایط مذکور از آنجا که نوع مسئولیت در ادغام شرکت‌های تجاری مسئولیت قراردادی می‌باشد. لذا شرکت ادغام شونده می‌بایستی بر اساس قرارداد (تفاهم‌نامه) که ادغام نتیجه آن می‌باشد از عهده تمامی دیون و تعهدات شرکت‌های ادغام شونده به نحوی برآیند. هرچند که در ادغام شرکت‌های تجاری، شرکت ادغام شونده منحل شده و هویت خود را از دست داده‌اند. اما با توجه به تصمیم گرفته شده، شرکت پذیرنده ادغام، کلیه حقوق و تعهدات شرکت و یا شرکت‌های موضوع ادغام را با حفظ هویت خود می‌پذیرد (لایحه اصلاحی قانون تجارت در اجرای اصل ۸۵ و تصویب کمیسیون قضایی مجلس).

۴-۲-۲. تأثیر ادغام بر شرکت‌های ادغام‌پذیر و یا شرکت جدید

درباره طلبکاران شرکت چنانچه شرکتی که تشکیل می‌گردد یا دارایی دیگری را قبول می‌کند دارای وضع مالی خوبی باشد، به طلبکاران خسارتی وارد نمی‌شود. ولی چنانچه وضعیت مالی شرکت خوب نباشد ممکن است حقوق طلبکاران شرکت‌های منحل شده تضییع گردد (ستوده تهرانی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

در لایحه جدید قانون تجارت پیش‌بینی شده است که شرکت‌های جدید بر اثر ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم‌مقام شرکت یا شرکت‌های منحل‌شده‌اند. شرکت جدید در ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده می‌توانند به قائم‌مقامی شرکت‌های منحل‌شده دعوی آن‌ها علیه اشخاص ثالث را پیگیری یا علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. اشخاص ثالث نیز می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت‌های منحل‌شده را علیه شرکت جدید یا بازمانده پیگیری یا مطرح کنند. شرکت حاصل از ادغام

می‌تواند از نام شرکت‌های طرف ادغام استفاده کند مشروط بر اینکه منجر به استفاده مشترک از یک نام نشود.

در خصوص طلبکاران شرکت ادغام پذیر در قوانین و مقررات مطالبی بیان نشده است. و تصور عمومی بر این بوده که این اشخاص از جذب شرکت دیگر به هیچ‌وجه متضرر نمی‌شوند. اما وضع آن‌ها به لحاظ ورود بستانکاران شرکت ادغام شونده تغییر می‌کند. در واقع این دو گروه طلبکاران در شرکت ادغام پذیر باید بر پایه برابری از وثیقه عمومی اموال آن را بهره‌برند. در این شرایط، ممکن است دارندگان اوراق مشارکت و سایر بستانکاران شرکت جاذب از وارد شدن طلبکاران جدید خسارت ببینند. لذا قبل از عملی شدن ادغام، باید تمهیدی جهت ایمنی پرداخت مطالباتشان اندیشید (صقری، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

در صورت ثبت ادغام مراجع ذی‌ربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید با تقاضای شرکت جدید یا بازمانده مبنی بر اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام شرکت بازمانده یا جدید مطابق طرح ادغام اقدام کنند. در این مورد، واگذاری اموال به شرکت بازمانده یا جدید از دریافت حق‌الثبت و مالیات انتقال و هرگونه حقوق و عوارض انتقالی معاف است.

۴-۲. چگونگی انتقال حقوق مربوط به کارکنان و کارگران

با توجه به خلاء قانونی در ادغام شرکت‌های تجاری، هرگونه تجزیه و تحلیل در خصوص این فرایند می‌بایستی در سایر قوانین مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گیرد. یکی از اهداف ادغام شرکت‌های تجاری کاهش هزینه و بالا بردن بهره‌وری می‌باشد که این موضوع با ساماندهی کارکنان شرکت‌های ادغام شونده امکان‌پذیر است، در توجیه موارد قانونی پیشنهادی در خصوص ادغام شرکت‌های تجاری در برنامه چهارم توسعه آمده است، کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهد یافت. در صورت عدم تمایل برخی از کارکنان شرکت قبلی با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، شرکت مزبور مکلف به باز خرید آن‌ها مطابق مقررات قانون کار می‌باشد.

در ماده‌ی ۱۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه نیز مقررات قانون قبلی در قانون برنامه چهارم تکرار شده و مضافاً مقرر گردیده، پس از ادغام، مزایای پایان کار، کارکنان شرکت‌های ادغام شونده مطابق قانون کار توسط شرکت مذکور به کارکنان یاد شده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی مازاد مطابق قانون تنظیم برخی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده‌ی ۱۱۳ قانون برنامه‌ی سوم توسعه، مصوب ۱۳۸۲ عمل می‌شود. لذا در ادغام شرکت‌های تجاری، شرکت ادغام پذیر یا شرکت جدید می‌بایستی تعهد مربوط به کارکنان شرکت‌های ادغام شونده را اعمال نماید.

۴-۲-۱. انتقال حقوق مربوط به کارکنان مشمول حقوق کار

همان‌طور که بیان شد در قانون برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی شده است، پس از ادغام، مزایای پایان کار کارکنان شرکت‌های ادغام شونده مطابق قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یاد شده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی مازاد مطابق قانون تنظیم برخی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده‌ی ۱۱۳ قانون برنامه‌ی سوم توسعه، مصوب ۱۳۸۲ عمل می‌شود. لذا در ادغام شرکت‌های تجاری، شرکت ادغام‌پذیر یا شرکت جدید می‌بایستی تعهد مربوط به کارکنان شرکت‌های ادغام شونده را اعمال نماید و حقوق و مزایا و سایر مطالبات مالی لحاظ گردد.

بر طبق ماده ۱۲ قانون کار هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه، از قبیل فروش یا انتقال به هر شکل، تغییر نوع تولید، ادغام در موسسه دیگر، ملی شدن کارگاه، فوت مالک و امثال این‌ها، در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعیت یافته است مؤثر نمی‌باشد و کارفرمای جدید، قائم‌مقام تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود. لذا بر طبق قانون کار و قانون برنامه پنجم توسعه شرکت ادغام‌پذیر به عنوان قائم‌مقام شرکت‌های ادغام شونده می‌بایستی به تعهدات و حقوق کارکنان اقدام نمایند و کلیه دریافت‌های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله‌مندی، هزینه‌های مسکن، خواربار، ایاب‌وذهاب، مزایای غیرنقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آن‌ها می‌بایستی توسط شرکت ادغام‌پذیر پرداخت گردد.

۴-۲-۲. انتقال حقوق مربوط به کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری

بر طبق قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در اجرای اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر شخص می‌تواند تنها یک شغل دولتی را عهده‌دار شود. همچنین بر طبق تبصره ۳ قانون مذکور شرکت و عضویت در شوراهای عالی، مجامع عمومی، هیئت‌های مدیره و شوراهای مؤسسات و شرکت‌های دولتی که به عنوان نمایندگان قانونی سهام دولت و به موجب قانون و یا در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های پست و یا شغل سازمانی صورت می‌گیرد شغل دیگر محسوب نمی‌گردد، لکن پرداخت یا دریافت حقوق بابت شرکت و یا عضویت در موارد فوق ممنوع خواهد بود.

تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع شرکت‌های خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.

لذا چنانچه شرکت دولتی در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی واگذار شود و یا در شرکت دیگر ادغام گردد و سپس واگذار گردد، ادغام شرکت‌های مذکور تکالیف و شرایط جدیدی را برای

مدیران لحاظ می‌نمایند. لذا پس از ادغام، مدیر دولتی دیگر نمی‌تواند در شرکت ادغام پذیر و یا شرکت جدید باقی بماند و در صورت ابقاء می‌بایستی شرایط پرداخت حقوق هر مدیر تعدیل گردد که متأسفانه به علت عدم نظارت دستگاه‌های متولی یک مدیر دولتی، مدیرعامل بسیاری از شرکت‌های خصوصی می‌باشد و نظارت و تخلفی نیز برای آن لحاظ نمی‌گردد و این موضوع می‌تواند با هماهنگی بانک اطلاعاتی سامانه کارمندان دولتی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (مرجع ثبت شرکت‌ها) رصد و پیگیری گردد.

۴-۳. تأثیر ادغام شرکت‌های دولتی در روند خصوصی‌سازی

یکی از مواردی که در روند خصوصی‌سازی بسیار حائز اهمیت می‌باشد ادغام شرکت‌ها می‌باشد و برای اولین بار در قوانین و مقررات تجاری تعریف ادغام شرکت‌های تجاری و ماهیت و برخی از شرایط آن در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تبیین گردیده است.

از جمله علل و اهداف خصوصی‌سازی در امور اقتصادی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی می‌تواند موارد ذیل باشد:

رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی با توسعه سرمایه‌گذاری از طریق کاهش شکاف پس‌انداز، سرمایه‌گذاری با حفظ نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی، ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار کشور با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی، ارائه مستمر آمار و اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه، اصلاح ساختار نظام بانکی با اجرای کامل و روزآمد قانون بانکداری بدون ربا و نهادینه کردن نظام‌های قرض‌الحسنه، تأمین اعتبارات خرد و اعتبارات لازم برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، حمایت از شکل‌گیری بازارهای رقابتی، ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی (سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت).

در خصوص واگذاری و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، نقل و انتقال سهام، سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه و حق تقدم بنگاه‌های مشمول واگذاری در فرایند تجزیه، ادغام، تحصیل و انحلال تا زمانی که بنگاه دولتی بوده و واگذار نشده باشد از پرداخت مالیات نقل و انتقال معاف است. بنگاه‌هایی که در اجراء این قانون واگذار می‌شوند یا بین دستگاه‌های اجرایی نقل و انتقال می‌یابند تا زمان واگذاری نیز از شمول مالیات نقل و انتقال معاف هستند. همچنین انتقال سهام به شرکت‌های تأمین سرمایه که ناشی از تعهد پذیرهنویسی باشد از مالیات نقل و انتقال معاف است.

۵. مباحث حقوقی ادغام شرکت‌های دولتی و خصوصی

همان‌طور که در مباحث قبلی بیان گردید ادغام شرکت‌های دولتی و خصوصی دارای اثرات می‌باشد که در قوانین و مقررات پیش‌بینی نشده است. برخی از مباحث حقوقی و اثرات ادغام شرکت‌های تجاری در مباحث قبلی تشریح گردیده است و در این محث نیز به برخی دیگر از اثرات و مباحث حقوقی که می‌تواند در ادغام شرکت‌های تجاری ایجاد گردد پرداخته می‌شود. هر یک از این اثرات در مرحله اجرا، بار حقوقی به دنبال دارد که از جمله می‌توان به تبیین شرایط و زمان انتقال تعهدات و دیون در فرایند ادغام، چگونگی حفظ حقوق اقلیت سهامداران یا شرکاء مخالف ادغام، چگونگی انتقال محرومیت‌ها و محدودیت‌های مدیران قبلی به مدیران جدید، مباحث مربوط به تخلفات مدیران قبلی، مباحث مربوط به ممنوع‌الخروجی و مباحث مربوط به وضعیت بازداشت سرمایه شرکت‌های قبلی اشاره نمود.

۵-۱. زمان انتقال تعهدات و دیون در فرایند ادغام

یکی از مباحث حقوقی که در ادغام شرکت‌های تجاری بسیار امر مهمی تلقی می‌گردد، زمان انتقال دیون و تعهدات و دارایی شرکت‌های ادغام شونده، به شرکت‌های ادغام پذیر می‌باشد. به‌طور مثال شرکت ادغام شونده در مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۲/۳/۲۰ تصمیم به ادغام در شرکت دیگر را می‌گیرد و با اکثریت آرا تصمیم فوق به تصویب می‌رسد، درحالی‌که شرکت دیگر در مورخ ۹۲/۴/۱۵ ادغام و انتقال تعهد دیون شرکت ادغام شونده را در مجمع عمومی فوق‌العاده مطرح و به تصویب می‌رساند. لذا سؤالی که مطرح می‌شود این است که تاریخ ادغام، تاریخ مجمع شرکت ادغام شونده می‌باشد یا تاریخ مجمع شرکت ادغام پذیر و یا سایر موارد؟

با توجه به اینکه در این خصوص نظام خاصی وجود ندارد و رویه قضایی نیز در این مورد سکوت کرده است و ممکن است در فاصله مغایرت تاریخ ادغام در شرکت‌های ادغام شونده و یا ادغام پذیر، مدیران شرکت، اقداماتی انجام دهد که به میزان تعهدات و دیون شرکت ادغام شونده اضافه گردد و یا به نحوی برای فرار از دین، قصد فروش اموال خود را بنماید. لذا به نظر می‌رسد، برای جلوگیری از این‌گونه تعارضات در ابتدا مدیران و ارکان تصمیم‌گیرنده شرکت‌های تجاری ادغام شونده، باید پیش‌قراردادی مبنی بر ادغام را تنظیم نمایند و تاریخ مشخصی را برای تشکیل مجمع عمومی و تقویم و تصویب دارایی و دیون شرکت و سایر تشریفات را در نظر بگیرند.

در مراجع ثبت شرکت‌ها، برای حل این مشکل لزوم دو صورت‌جلسه‌ی همزمان مجمع عمومی فوق‌العاده دو شرکت (اگر دو شرکت ادغام شوند) که در آن تصمیم به ادغام شرکت اتخاذ شده باشد با رعایت مواد اساسنامه و تشریفات دعوت از جمله ماده ۱۰۰ لایحه‌ی اصلاحی و ماده‌ی ۱۱۱ قانون مالیات‌های مستقیم، جهت ثبت ادغام در نظر گرفته شده است.

ضرورت دو صورت جلسه همزمان که در عرف مراجع ثبت شرکتها وجود دارد، در ماده‌ی ۱۰۵ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه و همچنین سایر قوانین مرتبط پیش‌بینی نشده است، لکن بدان جهت که از یک طرف انحلال شرکت صورت می‌پذیرد و شرکت ادغام شونده به نحوی از بین می‌رود و از طرف دیگر امکان افزایش سرمایه و نقل و انتقال سرمایه، دارایی دیون و تعهدات در شرکت ادغام پذیر وجود دارد، لذا در جهت تطبیق مواعد در مباحث مالیاتی و ارزیابی دیون و تعهدات و همچنین حسابرسی و تقویم آن، ضرورت دو صورت جلسه همزمان شرکت‌های ادغام شونده توجیه مالی و حسابرسی و حقوقی دارد.

۵-۲. چگونگی حفظ حقوق اقلیت سهامداران یا شرکاء مخالف ادغام

همان‌طور که بیان گردید، با تحقق و ثبت شرکت‌های تجاری، شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام شونده محو و از بین می‌رود و ماهیت خود را از دست می‌دهد، در این صورت، شرکت پذیرنده ادغام کلیه حقوق و تعهدات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام را می‌پذیرد.

اثر مهم ادغام بر سهامداران یا دارندگان سهم‌الشرکه مترتب می‌شود، لذا چنانچه اقلیتی از سهامداران یا دارندگان سهم‌الشرکه که در مجمع عمومی فوق‌العاده، نسبت به ادغام شرکت مخالفت داشته باشد و عدم رضایت خود را در زمان تصمیم‌گیری اعلام نماید و در رأی‌گیری رأی منفی دهد اما تصمیم ادغام با اکثریت سهامداران صورت پذیرد، حقوق این دسته از سهامداران (اقلیت) ضایع می‌شود. در این حالت دو راه حل پیشنهاد می‌گردد. راه حل اول که برای ادغام شرکت‌های تجاری به نظر می‌رسد، بدین شکل می‌باشد که، ادغام می‌بایستی به اتفاق صد در صد سهامداران و شرکا در مجمع عمومی فوق‌العاده صورت می‌پذیرد. در این حالت با توجه به این‌که تمامی صاحبان سهام و یا سهم‌الشرکه با ادغام شرکت موافق می‌باشند، لذا تمامی مسئولیت‌ها از جمله انتقال دیون و دارایی با رضایت تمامی سهامداران صورت می‌پذیرد.

راه حل دوم، شرکا و سهامدارانی که با ادغام شرکت‌ها موافق نمی‌باشند می‌توانند سهم‌الشرکه یا سهامشان را برابر ارزیابی به مبلغ روز دریافت نمایند و از شرکت خارج شوند، لذا می‌توان از ظرفیت ماده ۹۴ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت استفاده نمود که در ماده فوق مقرر گردیده هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهم بیفزاید. بدین شرح که سهامدار مخالف ادغام را نمی‌توان اجبار و الزام به فرایند ادغام نمود و با پرداخت حقوق و امتیازات سهام و سهم‌الشرکه، او را از شرکت خارج نمود. زیرا، همان‌طور که بیان شد چنانچه اموال دارایی و دیون و مطالبات شرکتی به شرکت دیگر منتقل گردد و ادغام صورت گیرد، باعث افزایش تعهدات شرکت ادغام پذیر می‌شود.

۵-۳. چگونگی انتقال محرومیت‌ها و محدودیت‌های مدیران قبلی به مدیران جدید

۵-۳-۱. مباحث مربوط به ممنوع‌الخروجی

ممکن است اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل و دارندگان حق امضا شرکت به علت عدم تحقق تعهدات و پرداخت دیون شرکت به عنوان اشخاص ممنوع‌الخروج تلقی گردند.

در اجرای ماده ۲۰۱ آئین‌نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی و همچنین ماده ۱۷ قانون گذرنامه برخی از مدیران شرکت‌های تجاری به دلیل بدهی تعهدات شرکت توسط مراجعی همچون دواير اجرای در ادارات ثبت و اسناد، یا سایر مراجع دولتی، ممنوع‌الخروج می‌گردند.

بر طبق ماده ۲۰۱ در مواردی که متعهد در اجرای ماده ۱۷ قانون گذرنامه مصوب سال ۱۳۵۱ ممنوع‌الخروج گردیده باشد چنانچه شخص ممنوع‌الخروج بنا به ضرورت بخواهد برای یک نوبت حداکثر به مدت ۶ ماه از کشور خارج شود خود یا اشخاص ثالث می‌بایست ملکی را جهت تضمین مراجعت مدیون به کشور معرفی و در صورتی که ملک در رهن و یا بازداشت نباشد، پس از ارزیابی توسط کارشناس رسمی و قطعیت آن صورت‌مجلسی با حضور رئیس ثبت، رئیس و یا مسئول اجرا تنظیم و مراتب جهت بازداشت ملک و انعکاس در سوابق ثبتی به اداره ثبت مربوطه اعلام می‌گردد و بدیهی است در صورت مراجعت متعهد و مترقی خود ظرف مهلت مقرر از ملک مذکور رفع توقیف شده و ممنوع‌الخروجی برقرار می‌شود در غیر این صورت بدون رعایت مستثنیات دین طلب بستانکار و حقوق اجرایی با فروش ملک مذکور از طریق مزایده استیفاء خواهد شد.

ماده ۱۷ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱، دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین‌نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید.

هرچند استفاده از ظرفیت‌های ماده ۲۰۱ آیین‌نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی به علت عدم تصویب آیین‌نامه و ضوابط ماده ۱۷ قانون گذرنامه مسکوت و مبهم می‌باشد و قانون گذرنامه، شیوه اجراء را به تصویب آیین‌نامه موکول نموده است و به نظر می‌رسد تا زمان تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون گذرنامه، مراجع مختلف (دواير اجرای اسناد) و یا دولت مستقیماً حق ممنوع‌الخروج نمودن اشخاص را ندارد بلکه در هر مورد باید از طریق مراجع قضایی اقدام نماید. علیهذا با عنایت به رویه موجود در دواير اجرای اسناد، در خصوص ممنوع‌الخروج نمودن مدیران شرکت (مدیرعامل و یا دارندگان حق امضاء) به علت بدهی‌ها و تعهدات شرکت، با توجه به اینکه کلیه شرکت‌های تجاری به موجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند و شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری جدایی از شخصیت حقوقی سهامداران و مدیران می‌باشند و مدیرعامل و دارندگان حق امضاء نماینده شرکت

محسوب می‌گردند و مسئولیت مدیران شرکت، همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد، مع الوصف نوع مسئولیت مدیران شرکت مسئولیت شخصی نمی‌باشد بلکه از طرف شرکت نماینده محسوب می‌گردند و تعهدات و دیون شرکت جدای از شخصیت مستقل مدیران می‌باشد و تعهد مدیران، تعهد شخصی محسوب نمی‌گردد که بتوان به‌طور مستقل مورد تعقیب قرار گیرد.

۵-۳-۲. مباحث مربوط به تخلفات مدیران قبلی

هرچند که بر طبق ماده ۵۸۳ قانون تجارت کلیه شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند و شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری جدای از شخصیت حقوقی شرکا و مدیران می‌باشد و مسئولیت مدیران شرکت همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد، مع الوصف نوع مسئولیت مدیران شرکت، مسئولیت شخصی نمی‌باشند، لذا مدیران شرکت با توجه به قواعد عمومی نماینده شخص حقوقی می‌باشند و تعهدات و دیون شرکت مستقل از شخصیت مدیران می‌باشد و تعهد مدیران تعهد شخصی تلقی نمی‌گردد که بتوان به‌طور مستقل مورد تعقیب قرار گیرد. اما با توجه به ضعف‌های قانونی بسیاری از مدیران شرکت‌ها به علت‌های مختلف مالی و مالیاتی ممنوع‌الخروج می‌شوند. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا بعد از ادغام شرکت‌های تجاری، ممنوع‌الخروج شدن مدیران شرکت‌های ادغام شونده منتفی و این ممنوعیت به شرکت جدید (ادغام‌پذیر) و مدیران شرکت جدید منتقل می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، هرچند که در ادغام شرکت‌های تجاری، کلیه دیون و تعهدات به شرکت انتقال پذیرنده منتقل می‌شود و شرکت جدید از هر حیث، مسئول تعهدات و دیون شرکت می‌باشد، اما مسئولیت پرداخت دیون و تعهدات نمی‌تواند منجر به انتقال محدودیت‌های خاص (از جمله ممنوع‌الخروجی) شود. زیرا این ممنوعیت مختص همان مدیرمسئول می‌باشد و قابل سرایت به مدیران جدیدی که به موجب ادغام مسئول پرداخت دیون و تعهدات شده‌اند نمی‌باشد. البته پس از ادغام شرکت‌ها، مدیران شرکت جدید در اسرع وقت می‌بایستی، تعهدات شرکت‌های ادغام شونده را پرداخت نمایند. اما همان‌طور که بیان شد این موضوع منجر به انتقال قهری محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های حاصل از دیون شرکت‌های ادغام شونده به ادغام‌پذیر نمی‌شود.

۵-۴. مباحث مربوط به وضعیت بازداشت سرمایه شرکت‌های قبلی

کلیه شرکت‌های تجاری به موجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت دارای شخصیت حقوقی می‌باشند و شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری جدای از شخصیت حقوقی سهامداران می‌باشند و دارایی شرکت از دارایی شرکاء مجزا تلقی می‌گردد و ماهیت سهام شرکت سهامی، مبین میزان مشارکت صاحبان سهام، در منافع و سود و زیان و تعهدات صاحبان سهام شرکت می‌باشد.

مع الوصف در برخی از آراء ثبتي و قضايي و نظريات حقوقی عدم امکان بازداشت و توقیف سهام سهامدار تصريح شده است که از جمله می‌توان به نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۴۱۰۰ مورخ ۱۳۷۳/۷/۵ اشاره نمود که بیان نموده: (چون شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل از شخصیت حقوقی صاحبان سهام است، لذا سهام شرکت‌های سهامی در قبال بدهی شرکت قابل توقیف نمی‌باشد).

همچنین به موجب رأی شماره ۳۱۱۶ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۴ شورای عالی ثبت مقرر گردیده، بازداشت اموال شرکت بابت دین یکی از سهامداران به لحاظ اینکه شخصیت شرکت جدا از شخصیت صاحبان سهام است جایز نمی‌باشد. لذا بازداشت و توقیف سهام موضوع محاکم دادگستری و سایر مراجع دولتی مانند تأمین اجتماعی از لحاظ حقوقی با ابهام مواجه می‌باشد. همچنین بر طبق ماده ۳۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت، نقل و انتقال سهام بی‌نام با قبض و اقباض صورت می‌پذیرد و سهام بی‌نام در حکم سند در وجه حامل می‌باشد. لذا بازداشت سهام بی‌نام نیز توسط اداره ثبت شرکت‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. از طرفی بر طبق ماده (۴۰) لایحه اصلاحی قانون تجارت، نقل و انتقال سهام بانام در دفتر ثبت سهام شرکت صورت می‌پذیرد و انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده می‌بایستی دفتر ثبت سهام را امضاء نمایند. لذا عملاً بازداشت و توقیف سهام نزد مراجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری امکان‌پذیر نمی‌باشد (قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ماده ۳).

همچنین هرگاه دادگاه قرار توقیف اموال را به میزان بدهی صادر نماید. در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال خود را نخواهد داشت (قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۷۰ ماده ۲۱۸ مکرر). حکم ماده ۲۱۸ قانون مدنی ویژه فروش نیست و شامل صلح اعم از معوض و غیرمعوض و هبه و وقف نیز می‌شود. به بیان دیگر هر معامله‌ای که مالکیت مدیون را به زیان طلبکار از بین ببرد و از وثیقه عمومی آنان بکاهد، مشمول آن قاعده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

با جمیع موارد فوق به نظر می‌رسد اموالی که از طرف حاکم ممنوع از تصرف شده است را نمی‌توان به عنوان سرمایه در ادغام شرکت تجاری مورد ارزیابی قرار داد. اما اگر مرجع صدور بازداشت سرمایه و یا سهام از جمله محاکم دادگستری یا سایر مراجع دولتی از جمله سازمان امور مالیاتی صرفاً سرمایه و یا سهام یا سهم‌الشرکه را بازداشت کرده باشد و در خصوص تغییرات و فعالیت شرکت منعی صادر نشده باشد و در صورتی که ادغام شرکت به حقوق افراد ثالث و بازداشت‌کننده خللی وارد نکند حفظ گردد و یا ذینفع با ادغام شرکت موافق باشد، تحقق ادغام امکان‌پذیر است. نکته که حائز اهمیت می‌باشد ابهام در وثیقه نهادن سهام شرکت با توجه به عدم عین بودن ماهیت سهام و سهم‌الشرکه می‌باشد. به نظر برخی از حقوقدانان ورقه‌ی سهم قابل وثیقه نمی‌باشد، اما با در نظر گرفتن موارد فوق چنانچه سهام شرکت در رهن باشد و یا اینکه اموال و دارایی‌های شرکت از جمله مالکیت دفتر یا کارخانه شرکت بابت

وام و یا سایر موارد در رهن قرار گیرد، در مرحله ادغام می‌بایستی رضایت مرتهن جلب شود تا به حقوق مرتهن در مرحله ادغام خدش‌های وارد نشود.

نتیجه‌گیری

در ایران با توجه به قدمت قانون تجارت و قوانین و مقررات اقتصادی، بحث ادغام شرکت‌های تجاری و تعاریف و تشریفات آن لحاظ نگردیده است. لذا مباحث مربوط به ادغام و جانشینی تعهدات را می‌بایستی در قوانین مرتبط دیگر جستجو نمود. از آنجا که نوع مسئولیت در ادغام شرکت‌های تجاری مسئولیت قراردادی می‌باشد. لذا شرکت ادغام‌گیرنده می‌بایستی بر اساس قرارداد که ادغام نتیجه آن می‌باشد از عهده تمامی دیون و تعهدات شرکت‌های ادغام‌گیرنده به نحوی برآیند. هرچند که در ادغام شرکت‌های تجاری، شرکت ادغام‌شونده منحل شده و هویت خود را از دست می‌دهند، اما با توجه به تصمیم‌گرفته شده شرکت پذیرنده ادغام، کلیه حقوق و تعهدات شرکت و یا شرکت‌های موضوع ادغام را با حفظ هویت خود می‌پذیرد.

در صورتی که ارکان تصمیم‌گیرنده شرکت ادغام‌شونده از جمله مدیرعامل و هیئت‌مدیره قبل از ادغام، اقدامات و تعهداتی نماید که خارج از اختیارات آن‌ها بوده و مسئولیت شرکت ادغام‌شونده را بیفزاید، مثلاً مدیران شرکت ادغام‌شونده خارج از موضوع شرکت معامله نمایند و یا برخلاف ماده ۱۲۹ و یا ۱۳۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت اقدام نمایند، در این صورت و بعد از کشف تخلفات مذکور پس از ادغام شرکت تجاری، می‌تواند جبران خسارات وارده را از مدیران متخلف قبلی اخذ نماید.

از جهتی دیگر، چنانچه شرکت‌های بزرگ ادغام‌شونده، قبلاً اوراق مشارکت منتشر نموده باشند مکلف به رعایت حقوق بستانکاران و دارندگان اوراق مشارکت خواهد بود. به نحوی که با تحقق ادغام خللی به حقوق آن‌ها وارد نگردد.

زمان جانشینی تعهدات در ادغام شرکت‌های تجاری امری مهم می‌باشد. نقل و انتقال سرمایه، مالیات، ارزیابی و حسابرسی از دیگر مباحث جانشینی تعهدات می‌باشد. لذا مشخص نمودن زمان این تغییر و تحول و انتقال دیون و تعهدات امری مهم می‌باشد که در این راستا مراجع ثبت شرکت‌ها ضرورت دو صورتجلسه همزمان جهت تبادل تعهدات مدنظر قرار می‌دهند.

یکی از مباحث حقوقی در ادغام شرکت‌های تجاری که مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد، نحوه ادغام و چگونگی بازداشت سهام و سرمایه شرکت‌های ادغام‌شونده به شرکت ادغام‌پذیر یا شرکت جدید می‌باشد. در جریان بازداشت سرمایه شرکت ممکن است به دستور مراجع صادرکننده بازداشت از هرگونه اقدام، مانند انحلال یا افزایش یا کاهش سرمایه یا هر اقدام دیگر منع شده باشد که در این حالت ادغام

شرکت امکان‌پذیر نمی‌باشد. در غیر این صورت و عدم تصریح مرجع بازداشت‌کننده، امکان ادغام شرکت‌ها به نظر امکان‌پذیر می‌باشد و شرکت جدید مسئول پرداخت حقوق بازداشت‌کننده می‌باشد. در پایان، در ادغام شرکت‌های تجاری، شرکت ادغام‌پذیر یا شرکت جدید می‌بایستی تعهد مربوط به کارکنان شرکت‌های ادغام‌شونده را اعمال نماید و هرگونه تصمیم‌گیری در این خصوص را با حفظ حقوق و مزایا و سایر مقررات مالی به کارکنان در نظر بگیرد.



منابع

- آدابی، حمیدرضا، حقوق ثبت تخصصی، تهران انتشارات جنگل چاپ اول سال ۱۳۸۸.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، تهران انتشارات سمت، جلد اول، سال ۱۳۸۴.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تجار و سازماندهی تجاری، تهران انتشارات سمت، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۳.
- امامی، حسن، شرح قانون ثبت اسناد و املاک، تهران انتشارات شرکت کانون کتاب.
- بهرامی، بهرام، دعاوی مالی و غیرمالی، تهران انتشارات نگاه بینه، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، تهران انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق ثبت، جلد اول، تهران انتشارات گنج دانش.
- حسن‌زاده، بهرام، اجرای مفاد اسناد رسمی، تهران انتشارات نگاه بینه، چاپ سوم، سال ۱۳۹۱.
- حسن‌زاده، بهرام، مقاله ادغام شرکت‌های تجاری، مجله سند، تهران نشریه سازمان ثبت اسناد و املاک جلد ۷۱، سال ۱۳۹۰.
- حسنی، حسن، حقوق تجارت، چاپ سوم، تهران انتشارات میزان، سال ۱۳۸۳.
- خزایی، حسین، حقوق تجارت، تهران انتشارات قانون جلد اول، سال ۱۳۸۵.
- خزایی، حسین، مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و خارجی، تهران انتشارات جنگل، سال ۱۳۸۸.
- زارع مقدم احمد، مجموعه کامل قانون و مقررات مالیاتی، تهران انتشارات جاودانه، جنگل سال ۱۳۹۱.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، تهران انتشارات دادگستر سال ۱۳۸۰، چاپ چهارم.
- شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، تهران انتشارات جهاد دانشگاهی، زمستان ۱۳۸۵.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران انتشارات مجد، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۵.
- صفی‌نیا، سید نورالدین، درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران، تهران انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱.
- صقری، محمد، حقوق شرکت‌ها، تهران انتشارات شرکت سهامی انتشار چاپ اول ۱۳۹۰.
- عرفانی، محمود، مجموعه کامل محشای قانون تجارت ایران، تهران انتشارات جنگل، چاپ سوم ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، تهران نشر میزان، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی در نظم کنونی، تهران انتشارات میزان، چاپ ۲۸ سال ۱۳۹۰.

- میر حسینی، سید حسن، شرح آرای شورای عالی ثبت، تهران انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.

قوانین

- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی مصوب ۱۳۸۹.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی مصوب ۱۳۸۳.
- قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران.
- قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۷۰ و قانون مسئولیت مدنی.
- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی.
- لایحه پیشنهادی قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴.
- لایحه پیشنهادی قانون تجارت مصوب ۱۳۹۱.
- مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، تهران ناشر روزنامه رسمی.
- مجموعه قوانین و مقررات اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی، چاپ وزارت امور اقتصاد و دارایی.
- مجموعه کامل قانون و مقررات مالیاتی، تهران انتشارات جنگل، سال ۱۳۹۱.
- مجموعه کامل قانون و مقررات مالیاتی، تهران انتشارات جنگل، سال ۱۳۹۱.